

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد ظاهر تیموری – المان

۱۴ جنوری ۲۰۱۳

## رسالت ما

بیشتر از سه دهه است که خلق و توده های میلیونی مردم مرز و بوم ما قربانی جنگ و تجاوز شده اند. قربانی جنگ و تجاوزی که اولاً کشور سوسیال امپریالزم روسیه و بعداً امپریالزم جهانی به سردمداری ایالات متحده امریکا راه انداختند. جنگ و تجاوز غارتگرانه و ستم گرانه ای که در نخست منظور آن تأمین منافع روس بود و حالا متضمن منافع امریکا و شرکاء است. این جنگ ها جنگ های تجاوز گرانه است زیرا چه روس در آن زمان و چه هم حالا امریکا و شرکاء به حریم خاک ما تجاوز کرده اند.

هم ابرقدرت متجاوز روس و هم ابرقدرت متجاوز امریکا و شرکاء به حاکمیت ملی ما تعرض نموده اند. تأسیس پایگاه های نظامی امریکا در کشور ما که اینک کرسی با دار و دسته اش برای امضای قرارداد آن به تاریخ ۱۱ جنوری ۲۰۱۳ به امریکا سفر کرده، تجاوز صریح و آشکار به تمامیت ارضی ما است.

جنگی که چه روسیه در آن زمان و چه امریکا فعلاً به راه انداخته اند جنگ غیر عادلانه است. زیرا این جنگ ها باعث غارت سرمایه های ملی کشور مانده و ثروت ملی ما را به تاراج برده مردم ما را دربند کشیده و سبب اسارت توده های میلیونی مردم ما گردیده. هزاران هزار را کشته و معیوب به جا گذاشته خلق و مردم ما را به طرف فقر بدبختی، بیخانمانی، تنگدستی، مریضی و صدها مصیبت دیگر سوق داده و بیشتر از این می دهد. زیر سلطه و سیطره این اشغالگران و تجاوزکاران دست یافتن به صلح، رفاه، آزادی، عدالت اجتماعی و دیموکراسی مردمی غیرممکن است. در شرایط جنگ و در موجودیت دولت پوشالی کنونی آرزوی رسیدن به آزادی، دیموکراسی مردمی از طریق مبارزات صلح آمیز و شرکت در پارلمان فعلی خیال کودکانه ای بیش نیست. صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و دیموکراسی مردمی در کشور زمانی می تواند تأمین گردد که جنگ غیر عادلانه و تجاوزگرانه پایان یابد و نیروهای دشمن و تجاوزگر از کشور خارج گردند. تا زمانی که این تجاوزگران به تجاوز خود برکشور ما و بر ما مبادرت می ورزند، نمی توان از صلح، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و آزادی سخنی در میان آورد. این اصل نباید فراموش گردد که متجاوزان، جنایت کاران، غارتگران و امپریالزم این دشمنان سوگند خورده خلق ها به خودی خود از کشور ما خارج نمی شوند و جا خالی نمی کنند و آنها به میل و رغبت خود از تجاوز دست بر نمی دارند و ساطور قصابی خود را که جهت کشتار مردم ما در دست گرفته اند به رضای خود و به سادگی به زمین نمی گذارند. فقط به وسیله قیام مردم، طغیان و شورش مردم و بالاخره به وسیله جنگ عادلانه مردم است که می توان جامعه خود را از وجود این انگل ها،

ز الوها و طفیلی های جنایت کار و تجاوز کاران پاک نمود. و پوزۀ این متجاوزان امریکائی و سگ های زنجیری اش را به خاک مالید و کشور را از لوث وجود این اجانب و اجنبی پرست ها پاک ساخت.

مردم ما در طول تاریخ همیشه طرفدار صلح بوده اما بارها ما مورد تجاوز قرار گرفته ایم. بر مردم ما جنگ تحمیل شده و با آن که ما نخواستیم بر ما جنگ روا داشته اند. چنین جنگی جنگ تحمیلی و جنگ تجاوز گرانه و غارتگرانه است.

چگونه می توان به جنگ تحمیلی و جنگ غیر عادلانه و تجاوز کارانه پایان بخشید؟ با در نظر داشت شرایط خاص کشور اولاً تدارک جنگ رهائیبخش ملی و بعداً اقدام و توسل به جنگ عادلانه با مقاومت قهری توده های مردم و شورش و طغیان مسلحانه خلق است که می توان به جنگ غیر عادلانه پاسخ گفت، جواب داد و پایان بخشید. فقط این انقلاب مردم است، این جنگ عادلانه خلق است که می تواند متجاوزان و اشغالگران و سگ های زنجیری اش را به زباله دان تاریخ اندازد و طومار استعمار و استثمار را درهم پیچد. جهت به راه انداختن جنگ عادلانه تدارک جنگ رهائیبخش ملی و برای از بین بردن جنگ غیر عادلانه و پایان بخشیدن به تجاوز امریکا باید به نیروی لایزال توده های مردم رجوع کرد و به تبلیغ و ترویج وسیعی علیه متجاوزان ناتو و امریکا پرداخت. در تبلیغات ما باید صریحاً چهره تجاوز گرانه امریکا و شرکایش روشن گردد. باید به توده های مردم تفهیم گردد که امپریالیست ها با ریا، دروغ و نیرنگ و خدعه جهت تأمین منافع خود در مقابل ملت ها و مردم برخورد می کنند. آنها نمی گویند که برای باز کردن بازار فروش جدید، توسعه مناطق جدید تحت نفوذ، کسب منابع مواد خام و غارت سهم رقیب به جنگ دست می زنند. آنها همیشه مدعی اند که برای آزادی دموکراسی، حق زن در جامعه، حقوق بشر و جامعه آزاد و متمدن بشری، شورای تعاون اقتصادی مبارزه می کنند. گویا اهداف آنها بسیار انسانی و والاست.

مردم وتوده ها باید بدانند که این اجنبی ها و تجاوزگران و دولت دست نشانده و پوشالی اش مسؤول این همه کشت و کشتار، بدبختی، فقر و فلاکت ها است. مردم باید به وضاحت پی ببرند که این متجاوزان و دولت دست نشانده اش مسبب در بند کشیدن و در اسارت کشیدن مردم ماست. اگر خلق به امراض گوناگون مبتلا است اگر داکتر و دوا وجود ندارد، اگر ملت از گرسنگی ریشه گیاه ها را می خورند و پوشاک ندارند، مسبب اینهمه رنج ها و آلام متجاوزان و دولت پوشالی آنها است. مردم وتوده های خلق باید بدانند که خداوند این روزگار فقر و بیچارگی و فلاکت را برای آنها نخواست و روا نداشته، خداوند هرگز نمی خواسته که مشتی ثروتمند و پولدار شوند و بقیه مردم در فقر و فلاکت زندگی کنند. بلکه این متجاوزان و دولت پوشالی است که این ظلم و ستم را بر ما روا داشته اند نه خداوند. این متجاوزان امریکائی به خاطر تأمین منافع خود و این جنگ سالاران تنظیمی و دولت به خاطر عیش و نوش خود مردم ما را به چنین روزی انداخته اند.

وظیفه تمام روشن فکران، نیروهای انقلابی و نیروهای چپ و عناصر مترقی و وطنخواه ملی است تا با ترویج، تبلیغ و تشریح ماهیت جنگ طلبانه امریکا شعور سیاسی مردم را بالا ببرند و مردم را علیه این تسلط اشغالگرانه و جنگ غیر عادلانه بسیج نمایند تا توده های مردم به ضد این اشغال اجنبی برخیزد. وظیفه روشنفکران، نیروهای چپ و نیروهای انقلابی است که در تشکل و اتحاد نیروهای ترقیخواه، آزادیخواه، نیروهای ملی و وطن پرست جهت مبارزه با متجاوزان اقدام ورزند. شعار روز و ضرورت روز تشکیل جبهه متحد ملی، گرد همائی نیروهای دموکراتیک، آزادیخواه، نیروهای صلح طلب به یاری نیروهای روشنگر انقلابی و نیروهای چپ در پیشاپیش آن است تا بتوان بر ارتجاع و متجاوزان و اجنبی ها فایز گشت. باید با کلیه طبقات و قشرهای اجتماعی و تمام احزاب و سازمان های سیاسی که بخواهند به ضد امریکا و شرکاء مبارزه کنند دست به هم داد و جبهه واحدی ساخت. به عبارت دیگر هر کسی که بتواند ما را در بیرون راندن متجاوزان امریکائی کمک کند با آن اتحاد نمود و جبهه واحد ملی ساخت. و به

یاری نیروهای روشنفکر و نیروهای انقلابی باید جبهه متحد ملی را در جهت منافع مردم سوق داد. در اوضاع و احوال کنونی کشور اهمیت بسزای نیروهای ضد امریکائی، نیروهای دموکراتیک و نیروهای ضد متجاوزان نباید فراموش شود. تبلیغ و ترویج توده های مردم، تشکیل جبهه متحد ملی، انسجام عمومی نیروهای مترقی باید توسط نیروهای روشنفکر و نیروهای چپ به حیث پیش آهنگ که از دید طبقاتی پیشرو برخوردار است، صورت گیرد. این مرحله مستلزم فعالیت پیگیر نیروهای مترقی است. این مرحله اول مبارزه و مرحله پیش در آمد جنگ عادلانه علیه متجاوزان است. اگر این مرحله که در آن جبهه متحد ملی به پیش آهنگی نیروهای انقلابی تشکیل می یابد به خوبی پیش رود روزنه آزادی در افق کشور نمایان خواهد شد.

مرحله بعدی مرحله جنگ تدافعی، جنگ عادلانه و جنگ طولانی و فرساینده خلق و مردم تحت رهبری نیروهای مترقی به حیث پیش آهنگ است که با توده های مردم و جبهه متحد ملی به آن اقدام می ورزند. البته شرایط زمان و شرایط تطبیق این مرحله مربوط به شرایط کشور و آمادگی نیروهای محرکه و نیروهای طبقاتی جامعه می باشد. جملات بالا نباید نقل طوطی وار و تصویر الگویی از انقلابات کشور های دیگر تصور گردد. تنها توسط این جنگ عادلانه، تدافعی و طولانی است که می توان متجاوزان، جنگ سالاران دولت دست نشانده امریکائی را از کشور خارج ساخت و پوزه شان را به خاک مالید. جنگ عادلانه با تشکل واحد ها و گروه های رزمنده مسلح در دهات و با آغاز جنگ پارتیزانی شروع شده به محاصره شهر ها و آزادی کشور می انجامد.

بعضی ها ادعا دارند که آزادی کشور چیزی خوب است اما مردم و ملتی که هیچ چیزی در دست ندارند چگونه می توانند به مقابل متجاوزان غارتگر امریکائی که قدرت زیاد و پیشرفته ترین سلاح را در دست دارند و تا دندان مسلح هستند و از نیروی مدرن و عالی جنگی برخوردار اند به مقابله برخیزند. عده ای دگر می گویند که سرودن نغمه جنگ عادلانه علیه جنگ غیر عادلانه جز چپ روی در جنبش و سر به دیوار کوبیدن چیزی دیگری نیست.

دوستان چنین نیست! بیائید باهم به تاریخ ملت خود رجوع کنیم. این تاریخ را ورق بزنیم که در جنگ عادلانه علیه امپراتوری کهن انگلیس مردم ما چه چیزی در دست داشتند؟ جز بیل، داس و اسلحه جنگی خیلی ابتدائی چیزی دیگری در دست نداشتند. چنان که زنده یاد میر غلام محمد غبار در رابطه به تجاوز اول انگلیس بر افغانستان روحیه آزادیخواهی مردم افغانستان را چنین انعکاس می دهد. «روز ۲ نومبر ۱۸۴۲ در تاریخ افغانستان و هندوستان یک روز عمده است. این روزیست که یک امپراتوری بزرگ اروپایی از مردم یک کشور آسیائی برای همیشه شکست می خورد. از مشخصات این روز در افغانستان تبارز روحیه وحدت ملی در برابر تجاوز بیگانه است. صفوف مردم بدون امتیاز نژاد و زبان و مذهب و منطقه تحکیم شده بود» (افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۴۸). زنده یاد غبار می نویسد: «اینست که بار دیگر می رفت یکی از مشخصات ملی افغانستان تبارز کند و آن این که در مقابل دشمن خارجی طبقات مختلف کشور در صف متحدی قرار گیرند، اعم از دهقانان و پیشه وران و اکثریت فیودال و روحانی و غیره» (افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۳۹). «البته معنویات جنگ آوران افغانی از دشمن برتر بود. هر سواره افغانی یک پیاده را برداشته وارد میدان جنگ می کرد. تفنگچی افغان از فاصله ۳۰۰ متر هدف را خطا نمی کرد. توپچی افغان گله های نه پونده دشمن را بعد از اغتنام توسط چکش کوفته و در توپهای ۶ پونده خود استعمال می کرد. افراد هر یک در زمستان پوستینچه ای در بدن، سناچی از تلخان یا گندم بریان در پشت، کتو صراحی پر از باروت در کمر بند و سواره مقداری از علوفه اسب در خرجین خود داشت. این قشون در هوای آزاد و بعضاً روی برف می خوابید و با مشتی از گندم و تلخان تغذیه می کرد. البته مبارزین افغانی بی قوت الظهر نبودند. زنان برای نان می پختند و در عبور سپاه دشمن از بازار ها، سنگ و کلوخ و آب جوش بر فرق ایشان می ریختند. ملا ها در دهات گردش کرده، ملاک و غله داران را از فروش غله به دشمن باز می داشتند. نوکران رسمی دولت و ملازمان شخصی افسران، اخبار و مکاتبات سری

دشمن را به اردوی ملی می رسانند. صنوف مختلفه مردم متحداً جان و مال خود را در راه دفاع آزادی کشور وقف کرده بودند. پس غلبه چنین جنگاورانی بر یک اردوی اجنبی حتمی بود» (افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۴۴).

امپراتوری انگلیس در آن زمان بهترین سلاح جنگی و مدرن در دست داشت. چه شد که سه بار امپراتوری انگلیس با بهترین سلاحش در مقابل ملت ما به زانو در آمد و شکست خورد و مردم ما توانست پرچم پر افتخار آزادی را به اهتزاز در آورد.

آری! استقلال کشور که به همت مردم افغانستان و به قیادت شاه امان الله خان حاصل گردیده، نقطه عطفی در تاریخ این کشور محسوب می گردد. شاه امان الله که با اتکاء به نیروی ملت در برابر استعمار انگلیس با شهامت زایدالوصفی مبارزه نمود، سر انجام موفق گردید که استعمار انگلیس را به زانو در آورده و افغانستان آزاد، سرخروی و سرفراز را در قطار ملل آزاد جهان، به جایگاهی که شایسته اوست قرار دهد تا برای ملل اسیر سرمشق شود. شاه امان الله و یاران او هیچ گاهی به استقلال تحت شرط و شروط و آزادی نیم بند اعتقاد نداشته، بلکه برای حصول آزادی مکمل و همه جانبه و استقلال عام و تام کشور مبارزه نمود. در این خصوص لازم است نقل قولی از شاه امان الله که مصداق افکار آزادیخواهانه اوست آورده شود. شاه امان الله خان به مجرد تاجپوشی استقلال افغانستان را اعلام کرد و گفت: « من خود را از لحاظ جمیع امور داخلی و خارجی به صورت کلی آزاد، مستقل و غیر وابسته اعلان می دارم و به هیچ قدرت خارجی اجازه داده نخواهد شد تا یک سر مو به حقوق و امور داخلی و سیاست خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی زمانی چنان تجاوز نماید، من حاضرم با این شمشیر گردنش را قطع کنم».

مگر افغان ها و شاه امان الله به اندازه امپراتوری انگلیس توپ و طیاره و مهمات مدرن جنگی در دست داشتند؟ نه هرگز!

« نیروی تعیین کننده در یک جنگ انسان است نه سلاح» کسانی که ادعا دارند ما ضعیف هستیم، ما چیزی نداریم، متجاوزان نیرومند اند، از مهمات جنگی خوب و مدرن برخوردار اند به این بهانه به تدارک جنگ عادلانه برنمی خیزند و اقدام نمی ورزند. چنین کسانی اولاً تاریخ مبارزات مردم خود و تاریخ مبارزات به حق ملل جهان را فراموش کرده اند. ثانیاً منکر نیروی لایزال توده های مردم اند. آنها به پیروزی خلق و مردم باور و عقیده ندارند و به این طریق آب به آسیاب ارتجاع و امپریالزم می ریزند.

مثال دیگر از مبارزات ملل جهان ملت و مردم ویتنام است که در مقابل همین ابر قدرت بزرگ امپریالزم امریکا چه چیزی در دست داشت؟ آیا اسلحه مدرن تر و خوبتر از امپریالزم امریکا؟ هرگز نه! مگر امپریالزم امریکا سر انجام با تمام قدرت و با تمام سلاح مدرن خود در مقابل جنگ عادلانه مردم و ملت ویتنام مفتضحانه شکست خورد؟ مگر این مردم و ملت ویتنام نبود که سرانجام پوزة متجاوزان امپریالزم امریکا را به خاک مالیده و درفش آزادی را در کشور شان به اهتزاز در آوردند و توده های میلیونی مردم خود را از رنج و بد بختی و فلاکت رهانیدند.

دوستان متیقن باشند که اگر افکار صحیح جهت تدارک جنگ عادلانه به راه افتد ضرورت جنگ عادلانه به توده های میلیونی مردم، نیروهای دموکرات، نیروهای آزادیخواه، نیروهائی که ضد جنگ اند، به خلق و مردم کشور تبلیغ و ترویج گردد دیگر آنزمان دور نخواهد بود که ملت و مردم ما نیز به پا خیزند. در کشور ما نیز چنان خواهد شد. تفنگ خلق و ملت ما روزی متجاوزان و دولت دست نشانده را از اریکه قدرت به زیر خواهد انداخت. تجاوزکاران که باعث غارت ثروت ملی ما و باعث فقر و بد بختی ملت ما شده اند از کشور بیرون رانده خواهد شد. این بیعدالتی، ستم، فقر و بدبختی و فلاکت که دامن گیر توده های مردم ماست، از بین خواهد رفت. در هر جا که ظلم و ستم وجود دارد مقاومت نیز به وجود می آید. این مبارزه طبقاتی است. در طول تاریخ طبقات ستمگر و متخاصم برتوده های مردم ظلم و ستم روا داشته اند. بالمقابل توده های مردم جهت رهایی از ظلم و ستم متشکل شده اند به پا خاسته اند، به انقلاب دست

یازیده اند. این انقلابات و جنگ های عادلانه حق مشروع ملت ها وتوده های مردم است. این حکم و روند تاریخ ملت ها است. دیر یا زود ملت و مردم ما نیز به مقابل این جور و ستم امپریالسم امریکا و شرکاء به پا خواهند خاست. و ملت ما به آزادی و استقلال دست خواهد یافت تا دیر نشده ما به حیث روشنفکر و نیروی چپ نقش پیشرو خود را باید ایفاء نمائیم نه این که لنگ لنگان به دنبال جوش و خروش مردم حرکت نمائیم. بیائید به خاطر پیروزی، آزادی، استقلال کشور و ختم جنگ غیر عادلانه با تمام نیروهای ترقیخواه گرد هم آئیم تا کشور از تجاوز نجات یافته و سر انجام رهائی انسان از استعمار و استثمار صورت پذیرد.

به امید پیروزی